

# فقر روستایی

## عوامل و راه حلها

### مطالعه موردی: روستاهای پایکوهی غرب گیلان

● دکتر حسن افراخته

استاد دانشگاه سیستان و بلوچستان و بلوچستان (گروه جغرافیا)

#### ■ مقدمه

فقر مفهومی نسبی است. بنا به تعریفی، افراد فقیر کسانی هستند که: قادر به مشارکت در فعالیتهای اجتماعی نیستند و از شرایط مناسب برای زندگی معمول در جامعه برخوردار نمی‌باشند. هنگامی که شخصی از توانایی لازم برای رفع نیازهای اساسی زندگی برخوردار نباشد، فقیر خوانده می‌شود.

بسیاری از مطالعات، فقر روستایی را با تکیه بر شاخصهایی چون: میزان مالکیت زمین و درآمد سرانه تعریف می‌کنند. با استفاده از ترکیب عواملی چون: کم‌زمینی، میزان درآمد، بی‌زمینی، درآمد نامنظم، بیکاری، مقروض بودن، بیسوادی، سوء تغذیه، بیماری، سالهای اندک امید به زندگی و مرگ و میر کودکان (۱)، می‌توان معیار مناسبتری جهت تشخیص فقر روستایی به دست آورد. حتی اعتبار چنین شاخصی هم، بر حسب زمان و مکان متفاوت خواهد بود.

فرد فقیر زندگی پر مخاطره و مشروطی دارد، تمام تلاشش مصروف بقای اوست، فقر و ناداری، استقلال رأی و اندیشه را از او سلب می‌کند.

مهمترین عامل فقر، واقعیت انکار ناپذیر توسعه نیافتگی است که در تبیین آن نظرهای فراوانی ارائه شده است، تشخیص عامل یا عوامل مشخص تداوم و استمرار پدیده فقر در نقاط مختلف کشور، می‌تواند به راه حلّ اجرایی برای تخفیف و محو تدریجی آن منجر شود، در این راه، تنوع خاص اقلیمی و واقعیتهای ظریف و دقیق فرهنگی و اقتصادی در نقاط مختلف کشور، ایجاب می‌کند که از هر گونه تعمیمی پرهیز شود.

نگارنده در سالهای ۱۳۷۲ - ۱۳۶۸، به اقتضای وظایف تحصیلی خود، در ناحیه فومنات گیلان مشغول مطالعه بوده است (نقشه شماره ۱). در این سرزمین، بخشی که در نقشه شماره ۲، به عنوان ناحیه مورد مطالعه مشخص شده، به سبب وجود ویژگیهای مشترکی دارای فقر روستایی است.

از میان روستاهای این ناحیه روستای کنده سر به عنوان روستای نمونه (نقشه شماره ۲)، انتخاب شده و ویژگیهای آن از نزدیک مطالعه شده است.

در تدوین مقاله حاضر، از داده‌های به دست آمده که بخشی از آن در جدول شماره ۱ درج گردیده است، استفاده می‌شود و اطمینان دارد، عوامل سازنده فقر در این روستا، وجه مشترک کلیه نقاطی است که در ناحیه مزبور واقع شده‌اند. ابتدا، این مقاله، به طور مختصر، به مفهوم فقر روستایی می‌پردازد، آن‌گاه عوامل تداوم و استمرار فقر روستایی را در ناحیه مورد مطالعه بررسی می‌کند، در پایان، پیشنهادها و اصلاحی ارائه می‌شود، به این امید که بتواند در تهیه و تدوین فقر زدایی، از کشور، مورد استفاده قرار گیرد.

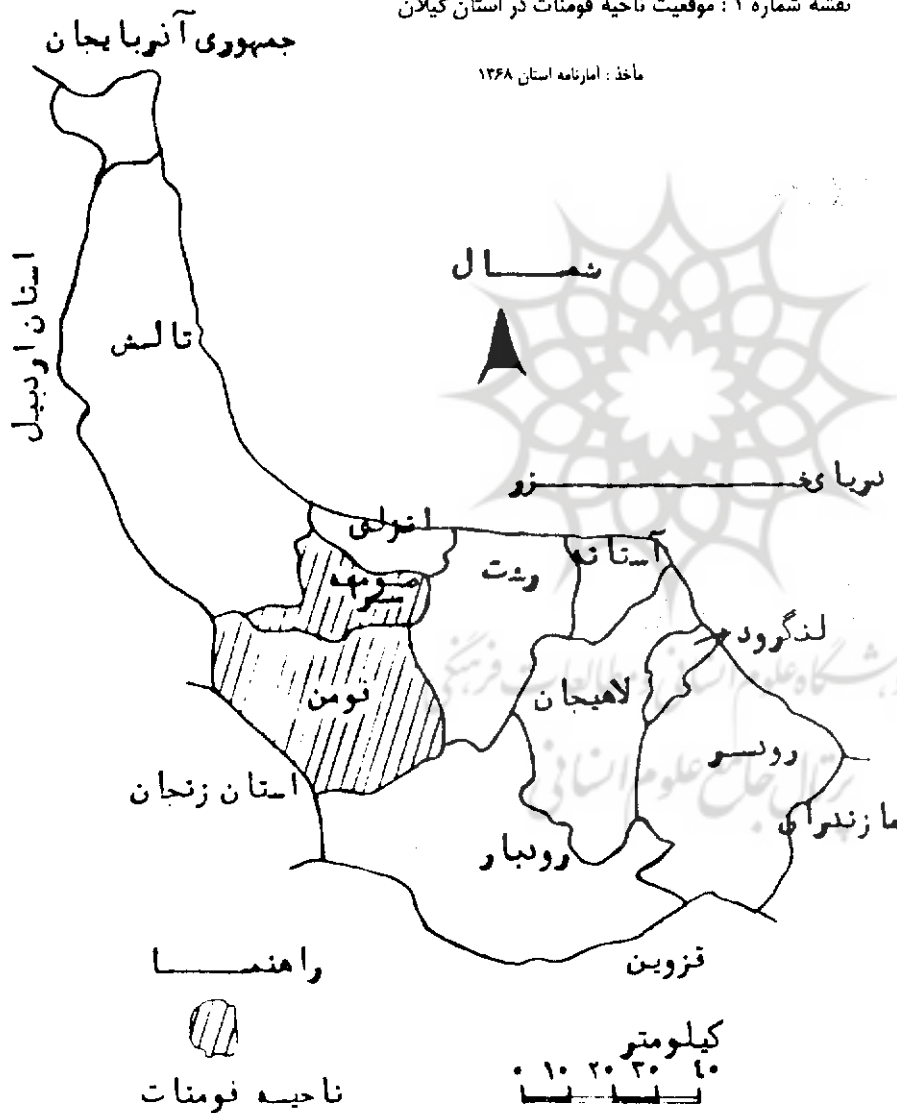
زیر، تحت عنوان عوامل فقر روستایی در واقع، نتیجه فقر روستایی نیز، می‌باشد.

### فقدان مالکیت زمین

در ناحیه مورد مطالعه، حدود ۳۰ درصد خانوارها فاقد زمین زراعی هستند. ۱۷/۴ درصد این افراد، معیشت خود را از طریق زراعت روی زمین دیگران به روش مناصفه کاری تأمین می‌کنند. ۳۹/۱ درصد آنان به کارگری در مراکز شهری و روستایی می‌پردازند. ۱۷/۴ درصد مستخدم نهضت سوادآموزی و نیروهای انتظامی هستند و ۲۶/۱ درصد بقیه، برای بقای خود متکی

به حمل مسافر یا موتورسیکلت می‌باشند. مشقت کار روی زمین دیگران به روش مناصفه کاری و دست‌آورد ناچیز آن بر کسی پوشیده نیست. پرسنل نهضت سوادآموزی و اقشار پایین نیروهای نظامی درآمد مناسبی ندارند. کارگری روزمزدی، زندگی پرمخاطره‌ای را برای صاحبان این‌گونه مشاغل به ارمغان می‌آورد. زیرا، اگر چه در روزهایی که کاری بیابند، مزد مناسبی حدود ده هزار ریال دریافت خواهند کرد، اما تعداد روزهای بیکاری نیز قابل ملاحظه است. از آن گذشته وقوع بیماریها می‌تواند زندگی این‌گونه افراد را به تابودی بکشاند. در روستاهای مورد

نقشه شماره ۱: موقعیت ناحیه فومنات در استان گیلان



### مفهوم فقر روستایی

فقر روستایی، با استفاده از شاخصهای مختلف و متعددی تعریف می‌شود، ولی مجموع شاخصهای مورد نظر نیز، نمی‌تواند منظور از فقر روستایی را به طور واضح و آشکار بیان کند، زیرا فقر مفهوم نسبی است و سطح و عمق آن بر حسب زمان و مکان متغیر است.

در ناحیه مورد مطالعه، برخی ویژگیهای، می‌تواند، تا حدودی نشانگر تصویری از فقر روستایی باشد. از جمله:

- فقدان مالکیت زمین - مالکیت زمینهای محدود  
- ابتلا به سوءتغذیه و بیماری - بیسوادی - درآمد پایین - درآمد غیرمنظم - مقروض بودن - درگیر تأمین معیشت - دارا بودن موقعیت ضعیف در برخورد با سوداگران و عوامل دولتی  
روستایی فقیر را می‌توان به فردی تشبیه کرد که تا چانه در آب ایستاده و حرکت تک موجی کافی است، تا او را غرق نماید.

### تبیین فقر روستایی

امروزه، فقر روستایی با استفاده از عوامل فیزیکی و اکولوژیکی، اقتصاد سیاسی و ماهیت استراتژیهای توسعه روستایی از انواع تکنوکراتیک، رفورمیست و رادیکالیست - تبیین می‌شود (۲) اما همان طور که در آغاز سخن بیان شد در این مختصر، عوامل تداوم و استمرار فقر روستایی در ناحیه فومنات، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا بتوان با توجه به وضع موجود، راه حل اجرایی برای تخفیف و محو تدریجی آن ارائه نموده با این همه باید اذعان کرد، برخی از عوامل

مطالعه، نمونه‌های فراوانی مشاهده می‌شود که به دلیل بیماری و ناتوانی سرپرست خانوار، به جمع نیازمندان پیوسته‌اند. حمل مسافر به وسیله موتورسیکلت‌های فرسوده برای امرار معاش نیز، بیانگر درماندگی و استیصال اقتصادی این گونه افراد است.

### مالکیت زمینهای محدود

با توجه به شیوه تولید موجود در ناحیه، افراد یک خانواده قادرند، با استفاده از چند روز نیروی کار مزد بگیر در فصل کشت، یک هکتار زمین را کشت نمایند. تولید این مقدار زمین که حدود ۱۸۰۰ کیلو برنج سفید می‌باشد، برای رفع نیازهای اساسی خانوار رقم مطلوبی است، اما در این ناحیه ۸۵ درصد زارعان را زمین‌داران کمتر از یک هکتار تشکیل می‌دهند، متوسط مساحت زمینهای هر خانوار ۲۶۰۰ متر مربع است. این مقدار زمین، در بهترین شرایط موجود می‌تواند ۴۶۰ کیلو برنج سفید تولید نماید.

در ناحیه مزبور، خانوارها معمولاً روزی دو وعده نهار و شام برنج مصرف می‌کنند. اگر برنج مصرفی هر خانوار را هر وعده ۷۵۰ گرم در نظر بگیریم، این خانوار تنها برای تأمین برنج مصرفی نهار و شام خود، سالانه به ۵۵۰ کیلو برنج نیاز خواهند داشت که از تولید سالانه او بیشتر است و برای تأمین سایر نیازهای خوراکی، پوشاک، هزینه‌های تحصیلی، دارو و درمان باید چاره دیگری بجوید.

چون حدود ۳۰ درصد از اقشار زارع، کمتر از حد متوسط فوق (۲۶۰۰ متر مربع) زمین دارند، ابعاد کم‌زمینی به خوبی قابل درک خواهد بود.

کم‌زمینی، یکی از مشکلات عمده اغلب نقاط روستایی ایران است. در پایان اصلاحات ارضی، سالهای ۵۳ - ۱۳۴۱، بهره‌برداریهای دهقانی کمتر از یک هکتار، ۲۳۵۱۵ واحد یا ۲۹/۵۳ درصد بهره‌برداران ایران را تشکیل می‌دادند که ۲۴۹۹۲۵ هکتار یا ۱/۲۵ درصد اراضی مزروعی را در دست داشتند. میانگین اراضی مزروعی هر بهره‌برداری ۳۵۰۰ متر مربع بود (۳).

طبق مطالعات انجام شده در استان اصفهان، ۶۴ درصد دهقانان کمتر از ۱ هکتار زمین دارند، در استان مرکزی، ۳۰/۵ درصد دهقانان کم‌زمین هستند، در استان فارس ۴۴/۵ درصد، استان

لرستان ۳۲/۵ درصد، استان باختران ۱۸/۹ درصد و استان همدان ۲۲/۵ درصد دهقانان را دهقانان کم‌زمین تشکیل می‌دهند. در حالی که در استانهای مزبور، تعداد زمین‌داران بزرگ (بیش از ۱۰ هکتار) قابل ملاحظه است که مسأله کم‌زمینی را، محسوس‌تر می‌کند. (۴)

### کشاورزی معیشتی

بهره‌وری کم، زیانبارترین تأثیر را در فقر روستایی دارد (۵). حدود دو سوم افراد بسیار فقیر، زندگی خود را از طریق کشاورزی معیشتی، چه به صورت زارعان کوچک یا کارگران کشاورزی که مزد کمی دریافت می‌کنند، می‌گذرانند (۶).

در ناحیه مورد مطالعه، برداشت محصول، سالی یکبار و میزان آن، حدود ۶۹ درصد متوسط برداشت برنج ایران (۲۶۰۰ کیلوگرم در هکتار) (۷) می‌باشد. در سایر مواقع سال، زمین بدون استفاده رها می‌شود. نظام آبیاری، غیرمدرن و متکی به آب رودهای کوچک، چشمه و استخرهای سنتی آب می‌باشد (۸). در سالهای کم‌باران، محصول از فقدان آب خسارت می‌بیند و در سالهای پر باران، آفت برگ‌سوزی (بلاست) محصول را از بین می‌برد. خسارت وارده بر محصول از سوی کرم ساقه‌دار برنج همچنان بالاست. از نهادهای کشاورزی استفاده بجا و شایسته‌ای به عمل نمی‌آید. در شخم مزارع، اغلب از اسب و گاو و در مواردی از تیلر استفاده می‌شود. در کل روستا، فقط یک تیلر وجود دارد. گاوآهن، بیل، و نیروی انسانی، مهمترین وسیله زراعت را تشکیل می‌دهند.

در منطقه مورد مطالعه استفاده از انواع بذر اصلاح شده، مرسوم نیست. بذر مورد نیاز هر سال را، از محصول سال قبل برداشت می‌کنند که کیفیت نازلی دارد. تنها بذر جدید اصلاح شده برنج نوع خزر است که به دلیل دیررس بودن با اقبال مواجه نمی‌شود. نظام ترویج و توزیع بذر، کود، سموم دفع آفات و اعتبارات با مشکلات جدی روبروست.

تقریباً همه خانوارها به زمین مورد استفاده جهت کشت سبزیجات دسترسی دارند، اما به دلایل مختلف، افراد نه تنها سبزی قابل فروش ندارند، بلکه اغلب آنان سبزی مصرفی خود را از بازار تهیه می‌کنند، مهمترین عوامل مؤثر چنین

وضعیتی، عبارتند از:

فرهنگ حاکم که فرهنگی معیشتی است، در بسیاری از موارد روستایی را از اقدام به چنین کاری باز می‌دارد و هنوز فروش میوه و سبزی برایشان کراهت دارد.

روستایی فقیر به دلیل درگیر بودن با مشغله تأمین معاش اصلی، وقتی برای این کار نمی‌یابد. او باید به اصطلاح، صبح دانه بپاشد و غروب درو کند.

وجود آفات گیاهی مختلف و عدم توان مبارزه زارعان و آنان را از سبزی کاری دلسرد و منصرف می‌کند.

سازمان جنگلها و منابع طبیعی، از آباد کردن اراضی کوهپایه‌های جنگلی ممانعت می‌کند.

دامداری رایج در ناحیه، به طور کامل سنتی است و از مشکلات مشابهی برخوردار می‌باشد (۹). از کل دامهای موجود در روستا، حتی یک رأس هم از نژاد اصلاح شده نیست. شیوه نگهداری و تغذیه دام ابتدایی است. بازدهی گوشت و شیر دامها بسیار پایین است. مثلاً: تولید شیر یک رأس گاو بومی در سال ۱۶۰ لیتر است، در حالی که اگر آن را با تولید شیر یک رأس گاو هلندی که ۲ هزار لیتر در سال است (۱۰)، مقایسه کنیم، به اهمیت موضوع پی می‌بریم.

### پراکندگی قطعات کشت

مسأله خرد و پراکندگی بودن واحدهای بهره‌برداری، یکی از عوامل نامطلوب توسعه بخش کشاورزی محسوب می‌شود (۱۱).

تقطیع اراضی در نظام‌های سنتی، دارای مزایایی است و نوعی تأمین اقتصادی و مبارزه با ناامنی طبیعی محسوب می‌شود (۱۲). اما این عامل، مانع توسعه کشاورزی است، زیرا استفاده از شیوه‌های نوین زراعی، ماشینهای کشاورزی و سموم آفات نباتی را، با مشکل مواجه می‌سازد.

کشاورزی در قطعات جدا از هم، جهت جابجایی نیروی کار و ابزارآلات به وقت زیادی نیازمند است. قسمتی از اراضی هر واحد، جهت احداث راههای بین مزارع، انهار آبیاری و مرزبندی بین قطعات از بین می‌رود. صرفه‌جویی در آب آبیاری میسر نیست، استقلال رأی زارع در انتخاب نوع کشت محدود و ابتکار عمل از او سلب می‌شود (۱۳).

مطالعات موردی، پراکندگی بسیار زیاد زمینهای زراعی ایران را تأیید می‌کند (۱۴). در این ناحیه نیز، متوسط قطعات واحدهای بهره‌برداری زراعی ۱/۷۲ قطعه است. ۵۷/۴ درصد واحدها، دارای دو و بیش از دو قطعه زمین جدا از هم می‌باشند. قطعات در فاصله دوری از یکدیگر قرار گرفته‌اند. وجود چنین شکلی از واحدهای بهره‌برداری، زحمات زیادی را به زارعان تحمیل می‌کند و به اتلاف وقت نیروی انسانی می‌انجامد. مثلاً: گاهی هر زارع سالانه دو ماه از وقت خود را صرف مرمت پرچین اطراف مزارع می‌سازد که در واقع، زحمتی اضافی است و در افزایش تولید او نقشی ندارد.

قطعه قطعه بودن اراضی که مولود عوامل مختلفی، از جمله: موقعیت طبیعی اراضی، افزایش جمعیت و قانون ارث اسلامی است؛ افزایش تولید را با اشکال مواجه کرده است و از تجارتمندی شدن کشاورزی جلوگیری می‌کند.

### ■ رشد جمعیت

از دیدگاه تحلیل اقتصادی جدید، تولید ثروت، تابعی از چگونگی کار و فعالیت انسانها، یا به اصطلاح امروزی تر بهره‌وری است. از این رو میزان رشد جمعیت، مستقل از نظام اقتصادی نمی‌تواند، طرح شود (۱۵). اما، در نقاطی که کشاورزی مهمترین بخش ایجاد کار برای مردم است، همراه با رشد جمعیت، نسبت زمین به نیروی کار بر هم می‌خورد، بر تعداد بیکاران پنهان افزوده می‌شود و بازدهی سرانه در بخش کشاورزی به مقدار زیادی کاهش می‌یابد. در این صورت، استفاده از تکنولوژی مدرن و دیگر وسایل، برای افزایش زمین قابل کشت، به علت محدود بودن حجم سرمایه، امکان پذیر نیست و مشکل تغذیه جمعیت اضافی، به علت کمبود مواد غذایی تشدید می‌شود (۱۶).

در ناحیه مورد مطالعه، در دهه ۷۵ - ۱۳۶۵، میزان مهاجرت عمومی ۲۴ درصد و به طور متوسط، سالانه ۲/۴ درصد بوده است. از این مهاجران، ۶۱/۵ درصد، برای یافتن شغل مناسب ناحیه را ترک کرده‌اند و ۳۸/۵ درصد آنان، مهاجران ناشی از پدیده ازدواج بوده‌اند. با مقایسه جمعیت موجود سال ۱۳۶۵ و جمعیت موجود کنونی در روستا، نتایج گرفته می‌شود که رشد طبیعی بر

■ در منطقه مورد مطالعه استفاده از انواع بذر اصلاح شده، مرسوم نیست. بذر مورد نیاز هر سال را، از محصول سال قبل برداشت می‌کنند که کیفیت نازلی دارد. تنها بذر جدید اصلاح شده برنج نوع خزر است که به دلیل دیررس بودن با اقبال مواجه نمی‌شود. نظام ترویج و توزیع بذر، کود، سموم دفع آفات و اعتبارات با مشکلات جدی روبروست.

■ دامداری رایج در ناحیه، به طور کامل سنتی است و از مشکلات مشابهی برخوردار می‌باشد. از کل دامهای موجود در روستا، حتی یک رأس هم از نژاد اصلاح شده نیست. شیوه نگهداری و تغذیه دام ابتدایی است. بازدهی گوشت و شیر دامها بسیار پایین است. مثلاً: تولید شیر یک رأس گاو بومی در سال ۱۶۰ لیتر است، در حالی که اگر آن را با تولید شیر یک رأس گاو هلندی که ۲ هزار لیتر در سال است، مقایسه کنیم، به اهمیت موضوع پی می‌بریم.

■ روستایی برای درمان "سردرد" خود به دستفروشان و مغازه‌داران مراجعه می‌کند. دستفروش قرص "آسپرین کدینه" به او می‌دهد و برای این که روستایی از نوع قرص مطلع نشود، قرص را در کاغذ روزنامه می‌پیچد و هر قرص به ۱۰ برابر قیمت رسمی به فروش می‌رسد. داروهایی چون شربت سرفه، آمپول B۱۲ و غیره، از مواردی است که به فراوانی با قیمت گزاف به روستایی فروخته می‌شود.

حسب جمعیت موجود ۲/۳۴ درصد بوده است. چنین رشدی می‌تواند، جمعیت را در مدت ۳۰ سال، دو برابر نماید و در شرایط اقتصادی موجود به فقر روستایی دامن زند.

بنابراین، می‌توان ادعا نمود که برنامه تنظیم خانواده به دلیل ساختار جوان جمعیت، فقدان وسایل ضدبارداری مناسب و نظام اقتصادی و فرهنگی حاکم بر جامعه، به کندی پیش می‌رود. مردم به اتفاق، به مضرات ناشی از افزایش بی‌رویه و بی‌تناسب جمعیت آگاه هستند. اما اعتقادی به وسایل جلوگیری از بارداری موجود ندارند.

### ■ نقش نظام شهری در فقر روستایی

در سالهای گذشته، سیاست توسعه کشور از نظریه قطب رشد تبعیت کرده است. در این راهبرد، به شهرها اولویت داده می‌شود، تا توسعه اجتماعی - اقتصادی شهرها موجب توسعه اجتماعی، اقتصادی روستاها شود (۱۷). و شهرها طی مکانیزم موسوم به "گسترش" تولید کشاورزی نواحی مجاور خود را تحریک بخشد (۱۸). جهت اثبات این ادعا، باید گفت: سهم سرمایه‌گذاری دولت در بخش کشاورزی از ۲۵/۵ درصد در برنامه عمرانی سوم به ۶/۶ درصد در برنامه پنجم نزول کرد. در صورتی که سهم صنایع، در طی همین دوره، از ۷/۵ درصد به ۲۲ درصد افزایش یافت. همچنین، سهم اعتبارات بخش کشاورزی در برنامه‌های عمرانی، روند نزولی را طی کرده است و از ۲۸ درصد سهم کل اعتبارات پیش‌بینی شده در برنامه اول، به ۷/۵ درصد در برنامه پنجم کاهش یافت.

بعد از انقلاب هم، اگر چه سیاست دولت بر اولویت دادن به بخش کشاورزی بوده است و یک رشد نسبی در سرمایه‌گذاریهای دولت نسبت به سالهای قبل از انقلاب مشاهده می‌شود، ولی عملاً، به علت بافت کشاورزی و مسائل و مشکلات روستایی، این بخش نتوانست چندان موفقیتی کسب نماید.

هنوز، سهم بخش کشاورزی از کل سرمایه‌گذاری ثابت کشور، بسیار ناچیز است و از همین مقدار هم، استفاده صحیحی به عمل نمی‌آید (۱۹). شواهد حاکی از آن است که با اجرای سیاست "قطب رشد" شهرها نتوانستند خدمات

لازم را ارائه دهند و موجب تحرک نقاط روستایی شوند.

در اینجا، جهت نمایش این نارساییها، نحوه ارائه بعضی خدمات شهری در حوزه‌های روستایی، مرور می‌شود:

### خدمات آموزشی

ناحیه در فواصل مناسب، دارای دبستان، مدرسه راهنمایی تحصیلی و دبیرستان است. اغلب جمعیت در سن مدرسه، به تحصیل اشتغال دارند. از جمعیت بزرگسال ۴۳/۷۵ درصد آموزش دیده‌اند و ۵۶/۲۵ درصد بی‌سوادند. آموزش یافتگان را ۵/۷ درصد افراد با تحصیلات فوق دیپلم، ۱۰ درصد دیپلم، ۵/۷ درصد زیر دیپلم (سیکل) و ۷۸/۵۷ درصد باسواد خواندن و نوشتن تشکیل می‌دهند. اما گذشته از افراد دیپلم و فوق دیپلم، که اغلب در نهضت سوادآموزی یا نیروهای انتظامی به کار اشتغال دارند، سایر با سوادان، قادر به استفاده از تحصیل خود در سازندگی زندگی نیستند. زیرا هیچ رابطه‌ای بین آموزش آنان و نیازهای شغلی وجود ندارد. تلاش نهضت سوادآموزی در آموزش بزرگسالان موفقیتی نداشته است، زیرا به دلیل عدم تطبیق آموخته‌ها با نیازهای شغلی، آموزش یافتگان به بیسوادی رجعت کرده‌اند.

آنچه در این زمینه محسوس است، آن که نیروهای شهری در آموزش فنی - حرفه‌ای روستاییان فعالیتی ندارند. جهاد سازندگی خیرخواهانه در جهت آموزش قالبی اقداماتی به عمل آورد، اما چون این بیشه با ساختار اجتماعی - فرهنگی ناحیه سازگاری نداشت، بی‌نتیجه ماند و با اقبال روبرو نگردید.

در نتیجه، روستایی، آگاهیهای فنی - حرفه‌ای و اجتماعی لازم را ندارد. در برخورد با سوداگران و نیروهای دولتی موقعیت ضعیفی دارد و امر مشارکت مردمی را در تصمیم‌گیریها دچار اختلال می‌کند.

### خدمات بهداشتی

از نظر دسترسی به درمانگاه و مراکز بهداشتی مشکلی در ناحیه وجود ندارد. البته، هزینه‌های درمان به ویژه اگر نیاز به خدمات بیمارستانی پیدا شود، نسبت به درآمد روستائیان بالا است و

می‌تواند آنان را به دام معامله‌گران و سلف‌خران بیندازد. اما مهمتر آن که، کیفیت نازل سطح زندگی، هر گونه خدمات بهداشتی را خنثی و فعالیتهای درمانی را بی‌نتیجه می‌سازد. روستایی از نظر آب مشروب بهداشتی توالی و فاضلاب بهداشتی و تأمین گرمای سکونتگاه زمستانی با مشکل مواجه است که همراه تغذیه نامناسب و پوشاک غیرمطلوب، موجب آسیب‌پذیری جسمی او شده است و از درآمد او، صرف دوا و درمان می‌شود و در نهایت کارایی افراد را کاهش می‌دهد. درباره نحوه توزیع دارو از طریق درمانگاهها، مطلبی وجود دارد که در بخش خدمات تجاری به آن اشاره می‌شود.

### خدمات تجاری

تسلط شهر بر امور تجاری و فروپاشی نظام سنتی تولید و روابط ناشی از رواج اقتصاد پولی، سبب شده روستایی چیزی را بفروشد، که خود به آن نیازمند است. طبق یک برآورد، ۲۰ درصد از اهالی، برنج خود را در پاییز کیلویی ۱۵۰ تومان فروخته و در بهار به قیمت ۳۰۰ تومان از معامله‌گران خریداری کرده‌اند. پس از انقلاب اسلامی، دولت در جهت حمایت تولیدات کشاورزی، قیمت فرآورده‌های کشاورزی را افزایش داد، اما به دلیل عدم کنترل محصولات شهری و فرآورده‌های مورد نیاز روستائیان، این حمایت نتیجه بخش نبوده و به زیان اقشار بی‌زمین و کم‌زمین عمل کرده است.

روستا، دارای نانوایی است، اما چون، از طرفی نظارت صحیحی وجود ندارد و از طرف دیگر، ساختار زندگی اجتماعی - اقتصادی به گونه‌ای است که نانوا با فروش نان یک نانوائی، قادر به تأمین معاش خود نیست، نان با کیفیت مناسبی عاید روستایی نمی‌شود. نانوا، آرد دریافتی را به قیمت آزاد می‌فروشد، روستایی، برای دریافت آرد مصرفی به بازار سیاه مراجعه می‌کند، در حالی که شهروندان، به نان مطلوب و با قیمت مناسب دسترسی دارند. در این مورد، دوره گردان، نان بربری را که هر قرص در شهر ۲۰ ریال قیمت دارد، در روستا ۴۰ ریال به مردم عرضه می‌کنند.

روستایی برای درمان سردرد خود به دستفروشان و مغازه‌داران مراجعه می‌کند. دستفروش قرص اسپرین کدینه به او می‌دهد و

برای این که روستایی از نوع قرص مطلع نشود، قرص را در کاغذ روزنامه می‌پیچد. و هر قرص به ۱۰ برابر قیمت رسمی به فروش می‌رسد. داروهایی چون شربت سرفه، آمپول B۱۲ و غیره، از مواردی است که به فراوانی با قیمت گزاف به روستایی فروخته می‌شود.

نگارنده، معتقد است: باید تحقیق جامعی به عمل آید، که آیا دارو و مواد دندانپزشکی به صورت غیرمجاز از داروخانه درمانگاه خارج می‌شود یا خیر؟ چرا با وجود درمانگاه، روستایی به واسطه‌های دارو فروش مراجعه می‌کند؟ چرا روستایی بچه خود را با هزار ریال به درمانگاه می‌فرستد، تا به کارمند بگوید: مادرم یک شربت سرفه می‌خواهد؟

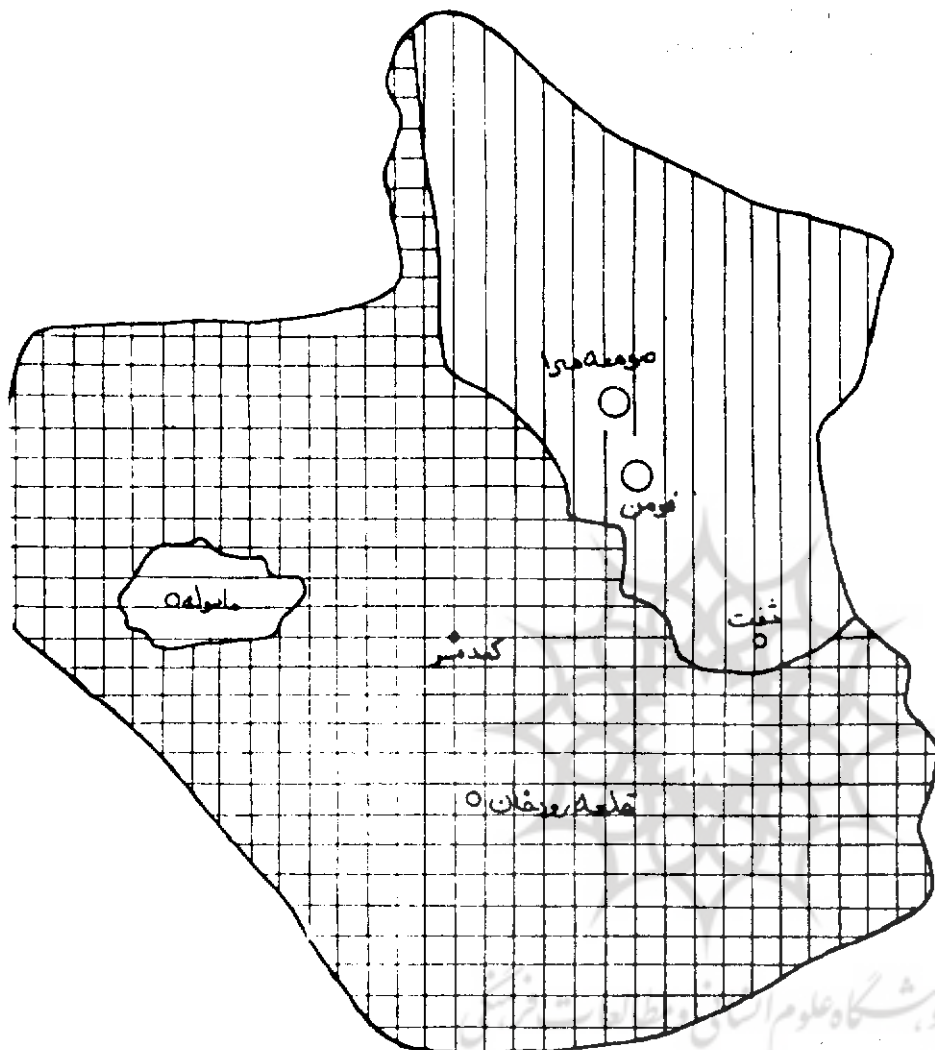
به این ترتیب، فقدان نظام توزیع کارا و شرکتهای تعاونی مصرف فعال، همراه با ناآگاهی روستایی، بخشی از درآمد او را در اثر روابط نابرابر تجاری به جیب دلان و واسطه‌ها می‌ریزد. این روابط، روستایی را مدیون دلان و سوداگران می‌سازد و ابتکار عمل در معاملات از او سلب می‌شود و در نهایت، به گسترش فقر روستایی کمک می‌کند.

### خدمات کشاورزی

جهت سازماندهی اداره امور کشاورزی کشور، مراکز خدمات کشاورزی روستایی و عشایری تأسیس شده که شورای انقلاب اسلامی جمهوری اسلامی ایران، طی قانون مصوب چهاردهم خرداد ماه ۱۳۵۹، هدف آن را چنین مشخص کرده است: "توسعه فعالیتهای کشاورزی، روستایی، عشایری و ارائه خدمات فنی، اعتباری، زیربنایی، رفاهی، آموزشی و تحقیقی و ترویجی و تهیه و تجهیز و توزیع وسایل، لوازم و نهاده‌های کشاورزی و تسهیلات خدمات بازرگانی و سایر فعالیت‌های مرتبط با امور مذکور، با توجه به نیازهایی که از طریق شوراها اعلام می‌شود و با جلب همکاری و مشارکت مستمر مردم. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که طی این هدف قانونی علاوه بر تلفیق فن و اعتبار، ضمن توجه به خدمات زیربنایی و رفاهی، فعالیتهای آموزشی و تحقیقی و ترویجی نیز، توأم با وظیفه و تجویز و توزیع وسایل و لوازم و نهاده‌های کشاورزی و تسهیلات بازرگانی در این مراکز، مورد توجه قرار گرفته است (۲۰).

نقشه شماره ۲ - ناحیه مورد مطالعه

ماخذ: فرهنگ آبادیهای کشور، سال ۱۳۵۵



راهنما  
روستای نمونه

ناحیه مورد مطالعه

مقیاس:  
۴ ۸ ۱۲ ۱۶ KM

از اهداف تدوین شده مزبور، نگارنده به لایروبی استخرهای سنتی آب در روستاهای ناحیه برخورد نموده است. ما به طور یقین، در روستای نمونه، شواهدی از فعالیت‌های آموزشی و ترویجی، خدمات زیربنایی، تجهیز و توزیع وسایل و لوازم و نهادهای کشاورزی و تسهیلات بانکی یافت نمی‌شود و علت این امر ممکن است در فقدان مسکن و تسهیلات رفاهی و انگیزه‌های شغلی و مسؤلان مراکز خدمات (۲۱) و فقدان پرسنل متخصص نهفته باشد یا نبود یک شورای اسلامی فعال و عدم آشنایی روستاییان با وظایف مرکز، مسبب آن باشد. به هر حال این، مسأله نیازمند بررسی و تحقیق است. زیرا، در روستای نمونه، از ۵ نفر عضو شورای اسلامی، دو نفر به دلیل استخدام در آموزش و پرورش در شهر زندگی می‌کنند، یک نفر دامداری است که به ندرت در روستا دیده می‌شود و دو نفر دیگر نیز، هر یک سرگرم مشغله خود می‌باشند و نبود یک شورای اسلامی فعال و دلسوز، مرتب از سوی روستاییان زمره می‌شود. جهت نمایش برخی نارساییهای خدماتی در روستای نمونه به ذکر چند مورد اکتفا می‌گردد:

- در ناحیه یک مورد نژاد اصلاح شده دام و طیور وجود ندارد. دامهای بومی ضعیف، بیمار و فاقد بازدهی لازم هستند، در حالی که بخش دام و طیور مرکز خدمات، عهده‌دار تهیه و احضار پروژه‌های اصلاح نژاد دامی، بهبود طیور محلی، تولید و تکثیر جوجه‌های بومی، تهیه و توزیع ارانه نهاده‌های مربوط به فعالیتهای دامداری، پروار بندی، طیورداری و زنبورداری است (۲۲).

- کارخانه برنجکوبی در فاصله‌ای نزدیک، قابل دستیابی است، اما مالکیت آن با ساکنان شهرهای فومن یا تهران است که بخشی از تولیدات روستایی را به عنوان کارمزد از محیط روستا خارج می‌کنند و به شهر انتقال می‌دهند. زیرا روستاییان سرمایه و اعتبار لازم را جهت خرید و تأسیس کارخانه برنجکوبی ندارند.

- در سال زراعی ۳ - ۱۳۷۲، فردی برای دریافت سبدهای سیمی به منظور جلوگیری از طغیان رودخانه، به اداره خدمات محل مراجعه می‌کند. از آنجا به اداره آبیاری فومن و صومعه سرا، و از صومعه سرا با اداره رشت معرفی می‌گردد. مرکز

اداری رشت از اداره فومن می‌خواهد که به محل رفته و پس از بررسی، نتیجه را گزارش کند. پیگیری موضوع و یافتن مأمور بررسی ۶ ماه طول می‌کشد و در شب ۱۷ شهریور ۱۳۷۳، قبل از تشریف فرمائی مأمور رسیدگی، طغیان رود کلیه زحمت یکساله زارع را به دریا می‌ریزد.

### جمع‌بندی

نواحی پایکوهی گیلان با واقعیت انکارناپذیر فقر روستایی دست به گریبان است. عوامل فقر روستایی را به طور ریشه‌ای باید در توسعه نیافتگی کشور، ناشی از اعمال روابط نابرابر اقتصادی حاکم بر روابط بین‌الملل جستجو نمود (۲۳). راه‌حلهای بنیانی آن نیز، در گرو اجرای طرحهای توسعه مستقل است (۲۴). اما عوامل مشخص در ناحیه به تداوم و استمرار فقر روستایی کمک می‌کند که می‌توان با شناسایی و غلبه بر آنها، در جهت ریشه‌کن کردن فقر روستایی اقدام کرد. این عوامل به اختصار، عبارتند از:

- بی‌زمینی یا فقدان مالکیت اراضی زراعی  
اقتضای روستایی که در ناحیه مورد مطالعه ۳۰ درصد خانوارها را در بر می‌گیرد.  
- کم‌زمینی یا دارابودن مالکیت اراضی زراعی محدود، که ۸۵ درصد خانواده‌های ناحیه را تشکیل می‌دهد. در سطح کشور و بسیاری از کشورهای جهان، نسبت قابل ملاحظه‌ای از فقیران روستایی را کشاورزان خرده‌پا تشکیل می‌دهد (۲۵).

- کشاورزی معیشتی و بهره‌وری نازل، که شیوه بهره‌برداری غیرمدرن و پراکندگی غیرمنطقی اراضی زراعی در قالب قطعات جدا از هم، به اتلاف نیروی کار منجر می‌شود و بازدهی ۶۰ درصد آنان را کاهش می‌دهد، متوسط برداشت محصول در ناحیه نسبت به متوسط تولید مشابه کشور می‌باشد. بازدهی فراورده‌های دامی بسیار ناچیز و غیرقابل مقایسه با متوسط تولید جهانی است.

- رشد بی‌تناسب جمعیت می‌تواند هر ۳۰ سال، جمعیت روستایی را دو برابر کند و در شرایط موجود، فقر روستایی را تشدید نماید.

- روابط ناموزون شهر و روستا به صورتهای مختلف تشدید کننده فقر روستایی است. از جمله: - ارائه خدمات آموزشی غیرمطلوب که تأثیری

در افزایش توان نیروی کار در تجهیز و تدارک منابع موجود ندارد.

- عرضه خدمات بهداشتی نارسا و اعمال روابط تجاری غیر متوازن که موجب تنزل استاندارد زندگی قرض‌دار شدن خانواده‌های روستایی می‌شود و استقلال رأی آنان را سلب می‌کند.

- فقدان خدمات کشاورزی سازنده و وجود بوروکراسی غیرمعقول که خصلت ضدتولیدی دارد.

### راه‌حلهای

جهت تخفیف و محو تدریجی فقر روستایی در ناحیه مورد مطالعه، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱- بی‌زمینان و کم‌زمینان فقیر را می‌توان به چند گروه تقسیم کرد:

الف - گروه سالم قادر به کار: که دارای مالکیت عرفی و شرعی زمینهای کوهپایه‌ای هستند. این اراضی اکنون در اختیار سازمان جنگلها و منابع طبیعی است. ممنعت سازمان از احیای این قبیل اراضی توجیهی ندارد، زیرا کوهپایه‌های گیلان از ارتفاع ۲۰۰ الی ۴۵۰ متری، نه ارزش جنگلی مطلوبی دارد، نه از توان مرتعی مناسبی برخوردار است. برعکس از نظر اکولوژی برای کشت چای، توت به منظور پرورش کرم ابریشم، انواع علوفه، درختان میوه مثل گردو، آلو، سیب و ... مناسب است با استفاده از شیوه‌های موجود، می‌توان به آبادسازی این زمینها اقدام کرد. باید احیای این گونه اراضی، آزاد و احیاءکنندگان آن با حفظ حق مالکیت خود، مورد حمایت قرار گیرند.

ب - گروه فعالی که فاقد مالکیت هر گونه اراضی هستند، باید با اختصاص اعتبارات، دامهای نژاد اصلاح شده، در اختیار آنان قرار گیرد. خدمات فنی - ترویجی لازم به آنان ارائه شود. لااقل در کوتاه مدت، نظامی منطقی بر کار آنان اعمال شود، تا هم این گروه به تولیدکنندگان گوشت، شیر و ... میدل شوند (تولیدات مزبور در سطح ناحیه و کشور از بازار مناسبی برخوردار است) و هم برای تولیدکنندگان علوفه، بازار فروش ایجاد شود.

ج - گروهی که به دلیل بیماری و ناتوانی جسمی قادر به کار نیستند: این گروه را می‌توان تحت سرپرستی کمیته امداد امام خمینی (ره)

■ فقدان نظام توزیع کارآ و شرکتهای تعاونی مصرف فعال همراه با ناآگاهی روستایی، بخشی از درآمد او را در اثر روابط نابرابر تجاری به جیب دلان و واسطه‌ها می‌ریزد. این روابط روستایی را مدیون دلان و سوداگران می‌سازد و ابتکار عمل در معاملات از او سلب می‌شود و در نهایت به گسترش فقر روستایی کمک می‌کند.

■ کشاورزی معیشتی و بهره‌وری نازل که شیوه بهره‌برداری غیرمدرن و پراکندگی غیرمنطقی اراضی زراعی در قالب قطعات جدا از هم، به اتلاف نیروی کار منجر می‌شود و بازدهی ۶۰ درصد آنان را کاهش می‌دهد. متوسط برداشت محصول در ناحیه نسبت به متوسط تولید مشابه کشور می‌باشد. بازدهی فراورده‌های دامی بسیار ناچیز و غیرقابل مقایسه با متوسط تولید جهانی است.

■ نواحی پایکوهی گیلان، واقعیت انکارناپذیر فقر روستایی دست به گریبان است. عوامل فقر روستایی را به طور ریشه‌ای باید در توسعه نیافتگی کشور، ناشی از اعمال روابط نابرابر اقتصادی حاکم بر روابط بین‌الملل جستجو نمود.

■ مهمترین عامل فقر، واقعیت انکارناپذیر توسعه نیافتگی است که در تبیین آن نظرهای فراوانی ارائه شده است. تشخیص عامل یا عوامل مشخص تداوم و استمرار پدیده فقر در نقاط مختلف کشور می‌تواند به راحل اجرایی برای تخفیف و محو تدریجی آن منجر شود.

درآمد و حداقل امکانات معیشتی آنان را تأمین نمود. در این صورت، باید از پذیرش افراد جوان و سالم قادر به کار در کمیته-جلوگیری کرد، تا موجب رواج تن‌پروری و حذف نوآوری نشود.

**۲- کشاورزی معیشتی با افزایش توان خرید مردم و ارائه خدمات و حمایت‌های فنی، مالی و ترویجی به کشاورزی تجاری و بر بازده تبدیل می‌شود؛** در این صورت، لااقل در کوتاه مدت، باید از تولید آنان حمایت منطقی به عمل آید. مشکل تقطیع اراضی در سطح کشور مطرح است، باید در جهت حل آن اقدام کرد. تنها اقدام عملی ممکن در ناحیه در شرایط موجود، اقدامات تشویقی در جهت یکجاسازی اراضی زراعی است. مثلاً، می‌توان کسانی را که داوطلبانه زمینهای خود را معاوضه می‌کنند، متناسب با کار انجام شده، وامهای درازمدت بدون بهره پرداخت نمود. مصرف درآمد عمومی کشور در این راه، کاملاً توجیه اقتصادی خواهد داشت.

**۳- کنترل رشد بی‌تناسب جمعیت،** قبل از هر چیز، نیازمند تحولی اساسی در اقتصاد خانوارها و اشاعه فرهنگ متعالی است.

رشد جمعیت بیش از این که مولود زاد و ولد باشد، از ترکیب جمعیت جوان ناشی می‌شود لازم است بیمارستانها مسؤولان در این زمینه اقدامهای مناسب انجام دهند.

**۴- نظام آموزشی موجود برای بزرگسالان، باید هر چه زودتر با استفاده از روشهای سمعی و بصری به آموزش فنی و حرفه‌ای متناسب با نیاز کاری آنان تبدیل شود.** این آموزش، باید به دور از تشریفات و در محل کار آنان با استفاده از مروچین متخصص، صورت گیرد. در ناحیه مورد مطالعه، این آموزش می‌تواند، عامل آموزش بهداشت خانواده، روش کشت انواع محصولات دامپروری و خدمات دامی، تبدیل پله به نخ ابریشم، زنبورداری و نجاری و مکانیک ماشین‌لات کشاورزی باشد. رادیو و تلویزیون، می‌تواند در این راه نقش مفیدی ایفاء نماید.

روابط تجاری نامتوازن را تنها با ایجاد تقویت تعاونیهای تولیدمصیر فعال می‌توان حل کرد.

**عمر متولی دهات باید هر چه زودتر معین شود و از دخالت سازمانها و فعالیتهای موازی در روستاها جلوگیری شود.**

**۷- برای جلب همکاری دلسوزانه کارمندان دولت، باید همزمان با انجام اقداماتی در بهبود زندگی آنان، قوانین و مقررات برقراری مجازات مناسب با سوءاستفاده از امکانات دولتی و کم‌کاری تدوین شود.** شوراها می‌توانند کارمندی فعال شود، وجود دستگاه قضایی کارآمد، چه از نظر اطلاع‌یابی هنگام از سوءاستفاده‌ها و چه از نظر پیگرد قانونی هر متخلفی در هر مقام، مهمترین شرط تحقق الگوی توسعه مستقل می‌باشد.

### منابع و مآخذ:

- ۱- Charis Dixon, Rural Development in the third world, First published, ROUTLEDGE, London and New York, 1990, pp:50 - 61.
- ۲- همان منبع.
- ۳- آسایش - حسین نگاه‌ی تحلیگریته به عمران روستایی در ایران - فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۳۵ سال ۱۳۳۲، ص ۷۲
- ۴- خسروی - خسرو، بررسی وضعیت اراضی ایران در شش استان کشور. مکر نشر دانشگاهی، تهران، چاپ اول سال ۱۳۶۷، ص ۶۰-۶۱، ۹۲-۹۳، ۱۳۸-۱۳۹، ۱۵۹-۱۶۰، ۱۸۳-۱۸۴، ۲۰۸-۲۰۹.
- ۵- عبدالهی - حسن توسعه روستایی همه خانه، ترجمه عبدالرضا کشانی، روستا و توسعه، سال ۷، شماره ۱ تابستان ۱۳۳۲، ص ۷۲-۳۱.
- ۶- نورادو مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد اول، چاپ چهارم، سازمان برنامه و بودجه، تهران، سال ۱۳۶۸، ص ۲۳۱-۲۳۰.
- ۷- مطعی لنگرودی - سید حسن، جغرافیای اقتصادی ایران، دانشگاه فردوسی مشهد، جلد اول، سال ۱۳۳۲، ص ۱۹۱.
- ۸- افراخته - حسن، نظام زراعی در یومات، مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۳۱ سال ۱۳۶۸، ص ۱۹-۲۰.
- ۹- افراخته - حسن، آماری سنی در یومات، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۸، سال ۱۳۳۲، ص ۱۶۱-۱۶۲.
- ۱۰- افراخته - حسن، بحرن غذا در استانته قرن ۲۱ مجله دانشمند، فروردین ماه ۱۳۳۲، ص ۲۸-۲۹.
- ۱۱- خادم ادم - ناصر، سیاست بهره‌سازی عوامل تولید، روزنامه همشهری، ۱۳۳۲/۸/۱۶.
- ۱۲- طالب - مهدی، عوامل مؤثر در تقطیع اراضی و لزوم یکپارچگی روستایی واحد بهره‌برنداری، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۱۱ و ۱۵، همان منبع.

- ۱۳- بابلی بزدی - محمد حسن، حسین پور چالکی، زهره، ابراکدگی روستای کشاورزی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۷ زمستان ۱۳۳۱، ص ۱۸۷-۱۸۲.
- ۱۴- غنی‌نژاد، موسی، رابطه بین جمعیت و توسعه از دیدگاه تحلیل اقتصادی، خلاصه مقالات سیامین جمعیت و توسعه منطقه‌ای، طرح مشترک صندوق جمعیت سازمان ملل متحد و مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، اسفند ماه ۱۳۳۳.
- ۱۵- قره‌باغیان - مرتضی، اقتصاد رشد و توسعه، جلد دوم نشر نی، چاپ اول، تهران، سال ۱۳۳۱، ص ۶۲۲.
- ۱۶- شکویی - حسین، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، انتشارات سمت، سال ۱۳۳۲، ص ۲۱۲.
- ۱۷- مهندسان مشاور DHV از هلند، راهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی، ترجمه سید جواد میر و دیگران، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، سال ۱۳۳۱، ص ۲۶.
- ۱۸- آسایش - حسین، نگاه‌ی تحلیگریته به عمران روستایی در ایران، ص ۲۹-۳۷.
- ۱۹- شهبازی - اسماعیل، توسعه و ترویج روستایی، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۳۲، ص ۸۸.
- ۲۰- اژکیا - مصطفی، جامعه‌شناسی و توسعه‌یافتگی روستایی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۶۵، ص ۳۰۲.
- ۲۱- همان منبع، ص ۳۹۱-۳۹۰.
- ۲۲- رزاقی - ابراهیم، الگوی برای توسعه اقتصادی ایران، نشر توسعه تهران، سال ۱۳۶۰، ص ۱۸.
- ۲۳- همان منبع، ص ۲۷.
- ۲۴- گزارش هیات مشورتی کارکنان خدمات کشاورزی برای کشاورزان جردیه روستا و توسعه، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، شماره چهارم، مهرماه سال ۱۳۳۱، ص ۱۲ - ۱۳.

